

الہ کرم خان حیات داودی

نشش فصل



نگرشی بر اوضاع اجتماعی بنادر و کرانہ خلیج فارس
در اواخر دورہ قاجار

تصحیح و کتر علم رضا خلیفہ زاوہ

به نام خداوند بخشنده مهربان



اله کرم خان حیات داودی
و پسرانش غلامحسین خان، فتح اله خان، امان اله خان

شش فصل

اثر

الله کرم خان حیات داودی

(۱۳۲۰-۱۲۷۰ش)

چاپ غره محرم ۱۳۳۶ق

مطابق ۲۶ مهر ۱۲۹۶

به کوشش

دکتر علی رضا خلیفه زاده

سرشناسه: حیات داودی، الله کرم بن حیدر خان، ۱۲۷۰-۱۳۲۰.
عنوان و پدید آورنده: شش فصل / اثر اله کرم خان حیات داودی؛ به کوشش علیرضا خلیفه زاده.
مشخصات نشر: قم، آبات ۱۴۰۱
مشخصات ظاهری: ۳۹۲ صفحه
شابک: ۸-۸۹-۷۳۷۰-۶۲۲-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: دانش و دانش اندوزی
موضوع: تقلید - شجاعت - خراب دیدن - فلسفه
موضوع: سلامتی - جنبه های مذهبی - اسلام
رده بندی کنگره: AZ ۱۰۱
رده بندی دیوبی: ۰۰۱/۲
شماره کتاب شناسی ملی: ۸۹۷۴۸۸۱



انتشارات آبات

۰۹۱۰۷۷۱۷۱۸۷

شناسنامه

عنوان کتاب:..... شش فصل
نویسنده:..... الله کرم خان حیات داودی
به کوشش:..... علیرضا خلیفه زاده
طرح جلد:..... پگاه خلیفه زاده
حروف چینی:..... منصوره شهبازی مقدم
صفحه آرای و تهیه فهرست اعلام:..... علی اکبر حکم آبادی
ناشر:..... آبات
تیراژ:..... ۱۰۰۰ جلد
قیمت:..... ۲۰۰۰۰۰ تومان
سال و نوبت چاپ:..... چاپ اول / ۱۴۰۱

حق چاپ محفوظ است

ایده‌های مؤلف

شش فصل که هر فصلش بهتر از فصل نوروز
«همت بر تألیف و تصنیف کتابی گماشتم مشتمل بر شش فصل ادبی و اخلاقی و
حکمتی، مسّی به «شش فصل» که هر فصلش بهتر از فصل نوروز! چه که در روانی و
سلامت و سادگی و لطافت آب قراح باشد، زیرا معنی جلیل در لفظ قلیل جلوه داده‌ام
که عارف و عامی بتوانند از آن بهره ببرند» (۱۷) ۱۵۸.

وسیله اعظم برای توسیع افکار،

مطالعه کتب و تحصیل علوم است (۱۸۴)، ۲۶۹.

فهرست

فهرست مفصل کتاب شش فصل	فهرست مقدمه
فصل اول: در بیان حال خود و سبب تالیف و تصنیف کتاب ۱۴۷	سپاس نامه ۱۹
ستایش پیامبر (۲) ۱۴۷	مقدمه و یادداشت فرزند مولف ۲۱
معرفی نگارنده شش فصل ۱۴۷	یک چهره جنوبی یادداشت امیرحسین حیات داودی ۲۳
مهاجرت از خرم آباد لرستان ۱۴۷	مقدمه مصحح ۲۱
طایفه حیات غیبی ۱۴۷	شش فصل و کتابشناسان ۳۰
اوایل سلطنت صفوی ۱۴۷	زندگینامه نویسنده ۳۶
بلوک حیات داوود (۳) ۱۴۸	قرارداد نفتی با آرنولد ویلسون ۴۳
بحر فارس ۱۴۸	پنج سفر رضاشاه به بوشهر و بسازداشت نویسنده ۴۴
افتتاح گناوه به دست لشکر عرب ۱۴۸	همراهی با هرتسفلد در باستان شناسی خارگ ۵۲
ریاست بلوک ۱۴۸	شکار با هرمان نوردن ۵۲
خدمات نمایان به دولت ایران ۱۴۸	شکل گیری بلوک حیات داود ۵۴
حمایت امیرعلی خان حیات داوودی از لطفعلی خان زند ۱۴۸	تاریخ سیاسی - اداری حیات داود (از دوره زند تا اصلاحات ارضی) ۶۵
تاریخ حیات داوود ۱۴۸	اندیشه‌ها و افکار اجتماعی مولف ۸۰
سبب تصنیف و تالیف شش فصل (۴) ۱۴۸	ادبیات محلی مولف ۱۱۵
تحصیل در مکتب ۱۴۹	

مدت یک سال تن سپردن به زحمت نگارش	۱۴۹.....(۵).....حصیر از پوش درخت خرما
شش فصل.....	۱۵۰.....اشتغالات معلم.....
تحصیل زبان خارجه و دروس دیگر (۱۹) ...	۱۵۰.....ختم قرآن در مکتب(۶).....
اتمام یکساله شش فصل.....	۱۵۰.....انتقاد از روش آموزش در مکتب.....
تحریر غره محرم ۱۳۳۶ [۲۶مهر۱۲۹۶].....	۱۵۱.....دفاع از مدارس صحیحه.....
مطبعه علوی بوشهر.....	۱۵۱.....شکار و گردش و بازی.....
فصل دوم:دانش چیست؟(۲۰).....	۱۵۲.....چرخ شکاری و صید هویره (۸).....
فرق میان انسان و حیوان.....	۱۵۲.....مطالعه کتاب‌های قصه و تواریخ (۹).....
علوم مدونه.....	۱۵۲.....تلگراف‌خانه‌ها.....
علوم طبیعی.....	۱۵۲.....فواید تلگراف.....
جغرافیین دریانورد و بادیه پیمای (۲۱).....	۱۵۳.....یادگیری تلگراف ایرانی و تلگراف
تلگراف بی‌سیم.....	۱۵۳.....انگلیسی (۱۰).....
طیارات.....	۱۵۳.....بندرریگ.....
ژاپان و روس.....	۱۵۳.....یادگیری زبان انگلیسی.....
اشتغال موروثی پسران به شغل پدر.....	۱۵۳.....ترجمه خطوطات و کتاب‌های انگلیسی.....
علم فلاحت (۲۲).....	۱۵۳.....پاکشیدن از مکتب‌خانه(۱۱).....
تعلیم اجباری در دول فرنگ.....	۱۵۳.....۱۶ سال بطالت.....
آموزگاری(۲۳).....	۱۵۴.....وطن نگارنده (۱۲).....
ممالک متمدنه.....	۱۵۵.....منتقدان علم‌آموزی (۱۳).....
عالم توحش(۲۴).....	۱۵۶.....حفظ بدن(۱۵).....
تعلیم و تربیت اجباری (۲۵).....	۱۵۷.....احتیاج اصناف به علم(۱۶).....
کتاب مبارک شیم(۲۶).....	۱۵۷.....بحر در سبو نگنجد(۱۷).....
فصل سوم: تنقید در اعتقاد عوام (۲۷).....	۱۵۷.....دلیل تالیف شش فصل.....
نقد انکار علم.....	۱۵۸.....شش فصل ادبی و اخلاقی و حکمتی.....
نظامی (شاعر).....	۱۵۸.....فصل نوروز (توصیف نگارنده از کتابش).....
تاویل شعر (تاویل پذیری اشعار) (۲۸).....	۱۵۸.....پله ترقی و تمدن(۱۸).....
	۱۵۸.....اهمیت تالیف کتاب.....
	۱۵۸.....مولفین و مصنفین زنده جاوید.....

- عالم محتاج (۲۹)..... ۱۶۸
- بی علم مال دار..... ۱۶۸
- جواب نگارنده..... ۱۶۸
- اقسام علوم..... ۱۶۸
- علوم یدی یا اکتسابی..... ۱۶۹
- سیل مهاجران به بنادر فارس (هم زمان با جنگ جهانی اول)..... ۱۶۹
- ستودن صنایع دستی و کسب یدی..... ۱۶۹
- تکریم صاحبان حرف (۳۰)..... ۱۶۹
- علوم جدید..... ۱۶۹
- اشتغال اداری..... ۱۶۹
- رابطه علم و عزت اجتماعی (۳۱)..... ۱۷۰
- نگاه ایلیاتی مولف در برابر نگاه شهری..... ۱۷۰
- شکاف اجتماعی در خانواده‌ها..... ۱۷۰
- تحصیل کرده‌ها و شرایط اجتماعی جنوب..... ۱۷۰
- ماموران دور از وطن (۳۲)..... ۱۷۰
- نقد تحصیل کرده‌ها..... ۱۷۰
- پاسخ مولف به منتقدان عقایدش..... ۱۷۱
- مذمت کاسبان مال اندوز (۳۳)..... ۱۷۱
- راه دادن به مجلس بزرگان (۳۴)..... ۱۷۲
- معدن شناسی..... ۱۷۲
- معدن نفت..... ۱۷۲
- انتقاد از رسم دست یوسی (۳۵)..... ۱۷۳
- صدر نشینی در مجلس..... ۱۷۳
- عالم تهی دست (۳۶)..... ۱۷۳
- اختراعات و ترقی صنعتی اروپا..... ۱۷۳
- فراوانی تفنگ در جنوب ایران..... ۱۷۳
- هیئت اجتماعیه..... ۱۷۴
- انتقاد از طبقه ملاکین و خوانین (۳۷)..... ۱۷۴
- دولت باقی (علم)..... ۱۷۴
- دولت فانی (پول)..... ۱۷۴
- انتقاد از عوام (۳۸)..... ۱۷۵
- انتقاد تلویحی از احمدشاه قاجار..... ۱۷۵
- عالمان ماندگار (۳۹)..... ۱۷۶
- مخترعین صنایع مهمه..... ۱۷۶
- تکریم قیور بزرگان دین..... ۱۷۶
- بابا بگذار نام نیک یعنی چه؟ (۴۰)..... ۱۷۷
- لذایذ دنیوی حیوانی (۴۱)..... ۱۷۷
- طالبان جیفه دنیایی (۴۲)..... ۱۷۸
- آثار نیک..... ۱۷۸
- زیارتگاه..... ۱۷۸
- انتقاد از مال اندوزی دنیا (۴۳)..... ۱۷۸
- نقض عقیده عوام..... ۱۷۹
- انواع علم..... ۱۷۹
- کشت و کار صنعتی (۴۵)..... ۱۸۰
- ماشین‌های بخار کشاورزی [تراکتور و کامباین]..... ۱۸۰
- نقدی بر حضور مستشاران در ایران..... ۱۸۰
- دایر کردن اداره (۴۶)..... ۱۸۰
- نقد اوضاع اجتماعی ایران در اواخر دوره قاجار..... ۱۸۱
- دایر کردن اداره یا معلم خارجه..... ۱۸۱
- سفر به بصره و کار در نخلستان‌ها..... ۱۸۱
- امتنه خارجه (۴۷)..... ۱۸۱
- قوٹی کوچک خرما..... ۱۸۱
- اسباب بازیچه خارجی..... ۱۸۲
- انتقاد از تجمل‌گرایی و مصرف‌گرایی ایرانیان... ۱۸۲

- ممالک متمدنه (۴۸) ۱۸۲
- درنده و چرنده (۵۰) ۱۸۳
- آهو (۵۱) ۱۸۴
- مرغان شکاری ۱۸۴
- بالنده‌ها ۱۸۵
- علم معدن شناسی (۵۲) ۱۸۵
- اکتشاف روغن نفت ۱۸۵
- تفاوت انسان و حیوان (۵۳) ۱۸۶
- توسعه مخابرات از مشرق تا مغرب (۵۴) ۱۸۶
- پرواز در هوا ۱۸۶
- ضرورت اصلاح مکتب‌های وطن ۱۸۶
- تحصیل علوم و فنون متداوله ۱۸۶
- ترقی ژاپن در پرتو علم ۱۸۶
- حیوانات برّی (۵۵) ۱۸۷
- بادکپن (نام محلی سمندر) (۵۶) ۱۸۷
- ایده نگارنده برای ساخت لباس ضد آتش ۱۸۷
- عدم تغییر در شیوه زندگی طیور و حیوانات (۵۷) ۱۸۸
- ضرورت علم برای کمال انسان بر خلاف حیوانات (۵۹) ۱۸۹
- علوم بر دو قسم اند (علم دنیا، علم آخرت) ... ۱۹۰
- زبان درازی عوام که صاحبان علم مسکینان‌اند (۶۰) ۱۹۰
- دولت هنر ۱۹۰
- میراث پیغمبران ۱۹۱
- صفات پسندیده برای خرید چارپایان (۶۲) ... ۱۹۲
- مذمت شهرت طلبی افراد متمول (۶۳) ۱۹۳
- قارئین محترم (۶۴) ۱۹۴
- کلام ملوک، ملوک کلام (۶۵) ۱۹۴
- ثالثا علم چیزی است (۶۶) ۱۹۵
- آداب پسندیده و دانش (۶۷) ۱۹۶
- علم لازمه بزرگ زادگان ۱۹۶
- سیاسی دان‌های اروپایی ۱۹۶
- قونسولات خارجه ۱۹۶
- موضع مخالفت مولف با دست تطاول بیگانگان ۱۹۶
- ناخدای کشتی ران ۱۹۶
- ضرورت علم داشتن یک حاکم محلی (۶۸) .. ۱۹۶
- پنج صفت کارکنان حیل‌باز ۱۹۷
- حکایت تاجر بوشهری (۶۹) ۱۹۷
- وضعیت بی سوادى در جنوب ایران (۷۰) ۱۹۸
- رواج مباحث سیاسی در کوچه‌ها ۱۹۸
- ترقی در امور مختلف (۷۱) ۱۹۸
- وضع قانون‌های جدید ۱۹۸
- رواج لغات و صنایع جدید ۱۹۸
- نابود شدن قانون‌های قدیم ۱۹۸
- کسب دانش واجب (۷۲) ۱۹۹
- تحصیلات سیاحان اروپایی ۱۹۹
- دارالقنون ۱۹۹
- مستخدم دولت ۱۹۹
- روسای قبایل جنوب و اروپایی‌ها ۱۹۹
- پلتیک داخله و خارجه (۷۳) ۱۹۹
- جواب خطوط پلتیکی ۱۹۹
- شرایط سیاسی اجتماعی جنوب ایران ۱۹۹
- طبقه روسای قبایل ۲۰۰
- علوم قدیمه و جدیده (۷۴) ۲۰۱
- علم کشتی رانی (۷۶) ۲۰۱
- ناخدا ۲۰۱

- ۲۱۶ ترس بدون اراده ۲۰۱ تفاوت عالم با عاقل
- ۲۱۶ آسبب شناسی اجتماعی خوف و ترس (۹۷) ... ۲۰۲ لذت روحانی دانش (۷۷) ۲۰۳ صید (۷۹) ۲۰۳ منشیان قابل (۷۹) ۲۰۳ عالم تنبل (۸۰) ۲۰۴ دولت پاینده هنر (۸۱) ۲۰۵ نقد عقیده غوام (در مورد علم آموزی) ۲۰۵
- ۲۱۶ درمان خوف ۲۰۳ پرهیز از مسکرات ۲۰۳ تریاک بی پیر ۲۰۴ مصرف ادویه جات (۹۸) ۲۰۵ شیر و چاهی (صبحانه) ۲۰۵ خوف در قلب ۲۱۷ ترقه بازی ۲۱۷ صفات سپه سالار (۹۹) ۲۱۸ رموزات لشکری ۲۱۸ حکومت کردن بر یک شهر (۱۰۰) ۲۱۸ نحوه‌ی لشکرآرایی ۲۱۸ حوادث مترقبه و غیر مترقبه (۱۰۱) ۲۱۹ حکومت شهری (۱۰۲) ۲۱۹ بخت النصر و بنی اسرائیل ۲۱۹ نقد جنگ جهانی اول (حرب عمومی در اروپا) (۱۰۳) ۲۲۰ ایران (۱۰۴) ۲۲۰ نقد سقوط سلطنت صفویه ۲۲۰ نقدی بر رجال عصر قاجار ۲۲۰ ملاحظه کردن تاریخ (۱۰۶) ۲۲۱ دارالفنون (۱۰۷) ۲۲۲ هنر شجاعت و تیراندازی ۲۲۲ شمشیر و قلم (۱۰۸) ۲۲۳ اهمیت مداوم قلم (۱۰۹) ۲۲۳ جواب نگارنده (۱۱۰) ۲۲۴ هیئت اجتماعی ۲۲۴
- فصل چهارم: در بیان شجاعت و شهامت و خصوصیات آن (۸۵) ۲۰۹ حدیث در وصف شجاعت (۸۶) ۲۰۹ جنون و دیوانگی ۲۱۰ جین ۲۱۰ جهل (۸۷) ۲۱۰ انواع خوف ۲۱۰ خوف از جن و میت (۸۸) ۲۱۱ عاقل ترسو (۸۹) ۲۱۲ نادان شجاع ۲۱۲ جن و غول ۲۱۲ خوف از مسافرت دریا ۲۱۲ شجاعت دریا دیدگان (۹۰) ۲۱۲ عادت طبیعت ثانوی ۲۱۲ خوف از مرگ (۹۱) ۲۱۳ توصیف زیبای مردن (۹۲) ۲۱۳ فراغت از خوف (۹۳) ۲۱۴ حدیث در خصوص خوف (۹۵) ۲۱۵ تفاوت خائف و جبان (۹۶) ۲۱۵ یک قسم دیگر از خوف و علاج آن ۲۱۶

- ۲۳۰ قهوه و کم خوابی (۱۲۰).....
- چند وجه از خواب: قسم اول خیالات
- ۲۳۱ روزمره.....
- خواندن حکایات (۱۲۱).....
- ۲۳۱ اشاره به صنعت عکاسی.....
- توصیف تخیلی بغداد در شب (۱۲۲).....
- ۲۳۲ در بیان قسم دوم از رؤیا (۱۲۳).....
- ۲۳۳ رؤیای بی معنی (۱۲۴).....
- در بیان قسم سوم رؤیا دیدن (۱۲۵).....
- ۲۳۴ در بیان قسم چهارم از رؤیا (۱۲۶).....
- عقیده نویسنده در مورد خواب (۱۲۷).....
- گذری بر تاریخچه خواب (دوره بربریت و عصر حجر) (۱۲۸).....
- ۲۳۵ کارخانه جات توپ ریزی و تفنگ سازی (۱۲۹).....
- ۲۳۶ قالب مثالی (۱۳۰).....
- دنيا و آخرت (۱۳۱).....
- ۲۳۶ بلخ (نماد بی قانونی).....
- قسم پنجم (دیگر) خواب (۱۳۲).....
- ۲۳۷ قسم ششم خواب (خواب دیدن کوران مادرزاد).....
- قسم هفتم خواب دیدن (افرادی که بعدا نابینا شده اند).....
- ۲۳۷ فرق خواب دیدن کوران و بینایان (۱۳۳).....
- ۲۳۹ قوه متخیله (۱۳۵).....
- ۲۳۹ مشاهدات روحانی (۱۳۶).....
- نفس مجرد.....
- ۲۳۹ ایران (۱۳۷).....
- ۲۴۰ انتقاد از باور عوام راجع به خواب.....
- ۲۴۰ دیدن دیگران در خواب (۱۳۸).....
- ۲۲۴ امور لشکری (مانند خوردن و آشامیدن) (۱۱۱).....
- ۲۲۴ امور کشوری (مانند تنفس).....
- ۲۲۴ ملت و دولت.....
- توصیف نحوه حضور امرای لشکری در دربار سلطنتی.....
- ۲۲۴ احترام اهل علم (۱۱۲).....
- ۲۲۴ قبایل و صفحات جنوب.....
- جایگاه اجتماعی منشی ها در حکومت های محلی جنوب.....
- ۲۲۵ جایگاه اجتماعی سپاهیان.....
- فصل پنجم: سبب خواب رفتن و خواب دیدن (۱۱۳).....
- ۲۲۷ عقیده عوام در مورد خواب.....
- ۲۲۷ سبب اصلی خواب از دیدگاه نگارنده.....
- خواب دیدن در حیوانات (پشه، فیل و مورچه).....
- ۲۲۷ سه عقیده در مورد خواب (۱۱۴).....
- ۲۲۸ تشبیه روح در بدن.....
- ۲۲۸ فعال بودن قوا هنگام خواب (۱۱۵).....
- مردن و بیهوشی دو علت بازدارنده فکر (۱۱۶).....
- ۲۲۸ عوامل خواب گرفتگی.....
- نه آب در غربال ماند و نه خواب در چشم گرسنه (۱۱۷).....
- ۲۲۹ داروهای خواب آور.....
- تفاوت خواب پیران و جوانان (۱۱۸).....
- ۲۳۰ کارگران و مزدوران (۱۱۹).....
- ۲۳۰ خواب های گوارا.....
- ۲۳۰ خیالات عشق و عاشقی.....

- تحلیلی بر خواب دیدن (۱۳۹)..... ۲۴۱
- عکس‌های متحرک ۲۴۱
- نحوه ساختن عکسهای متحرک (۱۴۰)..... ۲۴۱
- نمایش عکسهای متحرک (فیلم یا کارتون) ۲۴۱
- شیشه‌های عکاسی..... ۲۴۱
- دلیل دیگر بر رد صحت هر رؤیا (۱۴۲)..... ۲۴۲
- تعبیر نامه (کتاب تعبیر خواب)..... ۲۴۳
- انتقاد از کتب تعبیر خواب (۱۴۳)..... ۲۴۳
- تفاوت تعبیرنامه و تعبیر عامیانه (۱۴۴)..... ۲۴۳
- افشای راز نهانی تعبیر خواب ۲۴۳
- قوه نهانی میس مریزم Miss Merasom ۲۴۴
- نقد نگاه عامیانه به رمالی و توسل به اشیا (۱۴۵)..... ۲۴۴
- شرح یک نوع رمالی ۲۴۵
- انتقاد از خرافه‌گرایی و نقدی اصلاح‌گرانه بر باورهای عامیانه ۲۴۵
- دعائویسی مهاجران جنوب ایران در بصره (۱۴۷) ۲۴۶
- جلب هر نیکی و بدی به واسطه قوه خیالی ... ۲۴۶
- عدم صحت هر خوابی (۱۴۸) ۲۴۶
- قوه میس مریزم ۲۴۶
- تعبیر نیکو (۱۴۹)..... ۲۴۷
- تاثیر خواب از خود انسان است (۱۵۰)..... ۲۴۷
- پیش بینی مولف جوان از انتقاد پیرمردان..... ۲۴۷
- نقش سیم تلگراف در روشنفکری جوانان..... ۲۴۸
- جواب خیالات منتقدان ۲۴۸
- شبهه (تعزیه خواندن) (۱۵۱)..... ۲۴۸
- شلیک شدن «راست است» (۱۵۲)..... ۲۴۸
- باور عامیانه راجع به حرکت خورشیدوزمین ۲۴۹
- نقد باورهای مردم در مورد خواب و بیماری‌ها (۱۵۳)..... ۲۴۹
- هیکل بیماری طاعون ۲۴۹
- کشف علوم جدید ۲۴۹
- اختراع صنایع جدید (۱۵۴) ۲۴۹
- این نواحی که وطن عزیز ماست (۱۵۵)..... ۲۵۰
- روضه خوانی ۲۵۰
- تمزیه داری ۲۵۰
- پیش خوانی (۱۵۶)..... ۲۵۱
- حکایت جن و غول ۲۵۱
- دوره بجهوحه جهل و خرافات (۱۵۷)..... ۲۵۱
- کتاب تعبیر خواب ۲۵۲
- معبر (۱۵۸)..... ۲۵۲
- قوه [میس مریزم]..... ۲۵۲
- خواب درهم و برهم (۱۵۹)..... ۲۵۲
- جمعبه‌ای چوبین [رادویو یا گرامافون] (۱۵۹)..... ۲۵۳
- تقسیم خواب‌ها به دو قسم (خواب ملکوتی، خواب آشفته) (۱۶۰)..... ۲۵۳
- نظر مولف درباره خواب ۲۵۳
- تشبیه زیبای مغز به دریا (۱۶۱) ۲۵۳
- خواب دیدن حیوانات (اسب و طیور)..... ۲۵۳
- نقدی بر باور عوام از تعبیر خواب ۲۵۴
- اندیشه مولف در مورد تعبیر خواب (۱۶۴)..... ۲۵۵
- قوه میس مریزم ۲۵۵
- حضرت یوسف و تعبیر خواب ۲۵۵
- کار پاکان را قیاس از خود مگیرید (۱۶۵)..... ۲۵۵
- بحر در سبو ننگنجد ۲۵۶

انتقاد از معذوریت‌های مجلس نشینی و مضرات آن (۱۷۵).....	۲۶۳	فصل ششم: حفظ صحت (۱۶۶).....	۲۵۷
مجسمه بی ادبی.....	۲۶۳	علم الابدان.....	۲۵۷
مزیت صندلی.....	۲۶۳	علم الادیان.....	۲۵۷
بیطار(دامپزشک).....	۲۶۳	علم حفظ صحت.....	۲۵۷
آدم‌های شهری.....	۲۶۳	علم دین.....	۲۵۷
فواید ورزش(۱۷۶).....	۲۶۳	حفظ نفس انسانی.....	۲۵۸
مطالعه در بستر خواب(۱۷۸).....	۲۶۵	حفظ تمام اشیا.....	۲۵۸
ایران (۱۷۹).....	۲۶۵	علم تدبیر منزل(۱۶۷).....	۲۵۸
بلوکات.....	۲۶۵	عالم کبیر(جهان).....	۲۵۸
ممالک متمدنه.....	۲۶۵	عالم صغیر(بدن).....	۲۵۸
بهداشت رختخواب.....	۲۶۵	اعتدال قانون بزرگ حفظ صحت.....	۲۵۸
آرزوی مولف برای مردم ایران و سامان جنوب.....	۲۶۵	لذا ید دنویه(۱۶۸).....	۲۵۸
بهداشت پوست(۱۸۰).....	۲۶۶	دواخانه.....	۲۵۹
فواید آب دریا(۱۸۱).....	۲۶۶	ادخال طعام بر طعام مضر است(۱۶۹).....	۲۵۹
بدن‌شویی در آب رودخانه.....	۲۶۷	آداب غذا خوردن.....	۲۵۹
سیر و سلوک (۱۸۲).....	۲۶۷	مذمت استعمال مسکرات(۱۷۰).....	۲۶۰
کتب سماویه.....	۲۶۷	بهداشت محل زندگی(۱۷۱).....	۲۶۱
علویت عالم انسانی(۱۸۳).....	۲۶۸	هشت ساعت خواب(۱۷۲).....	۲۶۱
نظافت ظاهره.....	۲۶۸	بهداشت لباس مناسب.....	۲۶۱
طیران روح.....	۲۶۸	پرهیز از افراط و تفریط(۱۷۳).....	۲۶۲
مضرات آب سرد(۱۸۴).....	۲۶۸	ورزش روزانه.....	۲۶۲
اوقات مناسب بدن شویی.....	۲۶۸	شکار.....	۲۶۲
مطالعه کتب و تحصیل علوم(۱۸۴).....	۲۶۹	شغل‌های یدی.....	۲۶۲
بهداشت مغز(دماغ)(۱۸۵).....	۲۶۹	امراض ناشی از کم تحرکی.....	۲۶۲
استراحت مغزی(۱۸۶).....	۲۶۹	سنگ جگر[سنگ کیسه صفرا](۱۷۴).....	۲۶۲
شکار درندگان(۱۸۷).....	۲۷۰	سلامت دهاتیان پر تحرک(۱۷۴).....	۲۶۲
		شهری‌ها.....	۲۶۲
		آداب مجلس نشینی.....	۲۶۲

- ۲۷۸..... دوی ضد عفونی کننده
 ۲۷۸..... قرانطینه
 توصیه بهداشتی پیامبر در مورد پیشگیری از
 ۲۷۸..... طاعون
 ۲۷۹..... روش تهیه واکسن طاعون (۲۰۲)
 ۲۷۹..... دوره ششماهه ایمنی واکسن (۲۰۳)
 لغو رسوم اجتماعی هنگام شیوع طاعون ۲۷۹
 ۲۷۹..... رسم فاتحه خوانی
 ۲۷۹..... تنظیفات شهر و بلد
 ۲۷۹..... وبا سریع تر از طاعون
 ۲۷۹..... راههای مبارزه با وبا
 ۲۷۹..... نفروختن و نخوردن میوهی شهر آلوده
 ۲۷۹..... جوشاندن آب
 ۲۸۰..... پرهیز از خوراکی نپخته و میوه (۲۰۴)
 ۲۸۰..... آهک پاشی کف اتاقها
 ۲۸۰..... بدن شویی با آب گرم
 ۲۸۰..... میکروبهای ویایی
 ۲۸۰..... حیوانات کوچک ذره بینی
 نظرات معترضان به دستورهای
 ۲۸۰..... بهداشتی (۲۰۵)
 ۲۸۰..... ناخوشیهای مُسری
 ۲۸۰..... حالات متفاوت
 ۲۸۱..... خواب رفتن ساعت (۲۰۶)
 ۲۸۱..... کارخانه تشنگ سازی
 ۲۸۱..... قانون حفظ صحت (۲۰۷)
 ۲۸۲..... مضر بودن ازدواج بین الاقربا (۲۰۸)
 ۲۸۲..... بهداشت جنین و دوران بارداری (۲۰۹)
 ۲۸۳..... بهداشت زوجین (۲۱۰)
- ۲۷۰..... بهداشت دندان
 ۲۷۱..... ذره بین پر قوت (میکروسکوپ) (۱۸۸)
 ۲۷۱..... هزاران جانوران کوچک (میکروب)
 ۲۷۱..... حیوانات ذره بینی
 ۲۷۱..... خلال ساقه علفی خوشبو (۱۸۹)
 ۲۷۱..... مراقبت از دندان
 ۲۷۱..... دلسوزی و فرهنگ سازی مولف
 ۲۷۲..... بی اعتدالیهای ایام جوانی (۱۹۰)
 ۲۷۲..... بهداشت روابط زوجیت (۱۹۱)
 ۲۷۳..... وظیفه زوجیت (۱۹۲)
 ۲۷۴..... مکان خوش آب و هوا (۱۹۴)
 ۲۷۴..... بهداشت آب (۱۹۵)
 ۲۷۴..... آب انبار و آبگیر
 ۲۷۵..... ناخوشی کلیه
 ۲۷۵..... استسقای آبی (۱۹۶)
 ۲۷۵..... بهداشت تنفس
 ۲۷۵..... مرض ذات الریه (۱۹۷)
 ۲۷۶..... بهداشت قوه بینایی
 ۲۷۶..... دلایل خرابی چشم (۱۹۸)
 ۲۷۶..... اهمیت حفظ چشم
 ۲۷۶..... بیست درصد کور در جنوب
 ۲۷۶..... سی درصد نیمه کور در گرمسیرات
 ۲۷۷..... کلاههای لبه دار ایرانی (۱۹۹)
 ۲۷۷..... کلاه فرنگی و عدم استفاده ایرانیان
 ۲۷۷..... وبا سفاک تر از طاعون (۲۰۰)
 ۲۷۷..... صاحبان عمارات عالیه
 ۲۷۸..... راههای جلوگیری از طاعون
 ۲۷۸..... حوض آب خانه (۲۰۱)

- صحت اطفال (۲۱۱)..... ۲۸۴
- گفتار بزرگان دین (۲۱۲)..... ۲۸۴
- بهداشت غذاها (۲۱۴)..... ۲۸۵
- بهداشت آب نوشیدن (۲۱۵)..... ۲۸۶
- میان وعده غذایی کارگران..... ۲۸۶
- طبقه کارگران و برزگران (۲۱۶)..... ۲۸۶
- طبقه بزرگان و متمولین..... ۲۸۶
- آزادی ۲۸۷
- تراکامات دمویه (۲۱۷)..... ۲۸۷
- پرهیز غذایی (۲۱۸)..... ۲۸۸
- بهداشت روانی والدین (۲۱۹)..... ۲۸۸
- فلان الدوله و بهمان السلطنه..... ۲۸۸
- عادات شترگره (۲۲۰)..... ۲۸۹
- قارین محترم..... ۲۸۹
- بهداشت زوجیت (۲۲۱)..... ۲۸۹
- ورزشکار..... ۲۸۹
- غذای شیری (۲۲۲)..... ۲۹۰
- شیر مصنوعی..... ۲۹۰
- عمارت خارج از شهر..... ۲۹۰
- انتقاد از باور عوام (۲۲۴)..... ۲۹۱
- وخشوران اکرم (۲۲۵)..... ۲۹۱
- طیب و قوانین حفظ الصحه (۲۲۶)..... ۲۹۲
- عدم رعایت بهداشت فردی (۲۲۷)..... ۲۹۲
- موانع ارتقا (۲۲۸)..... ۲۹۳
- انتقاد از فرهنگ ملامت..... ۲۹۳
- انتقاد از باورهای غلط (۲۲۹)..... ۲۹۴
- نکوهش طعنه زدن به کسب مردم..... ۲۹۴
- انتقاد از اوضاع اجتماعی (۲۳۰)..... ۲۹۴
- هیئت اجتماعی..... ۲۹۵
- کاسب‌ها برای حیات بشر مانند تنفس‌اند (۲۳۱)..... ۲۹۵
- انتقاد از باورهای منفعل کننده..... ۲۹۵
- آثار سوء استخفاف..... ۲۹۵
- اختراع لقب (۲۳۲)..... ۲۹۵
- اسب و میرآخور..... ۲۹۶
- مؤلف در جایگاه مصلح اجتماعی (۲۳۳)..... ۲۹۶
- تیمار نمودن مال سواری..... ۲۹۶
- قره قوش (بیماری اسب) (۲۳۵)..... ۲۹۷
- خواسته قلبی مؤلف برای ترقی..... ۲۹۸
- دعای اختتامیه..... ۲۹۸
- فهرست اعلام..... ۲۹۹
- آیات..... ۳۰۱
- احادیث..... ۳۰۲
- اشعار..... ۳۰۵
- جملات قصار عربی..... ۳۰۷
- ضرب المثل‌ها و کنایات و اصطلاحات محلی... ۳۰۸
- ظرفیت‌های زبانی و اصطلاحات و عبارات محلی..... ۳۱۲
- اسامی..... ۳۱۳
- مکان‌ها..... ۳۲۰
- پیشه‌ها و پیشه‌وران..... ۳۲۶
- جانوران و اوصاف..... ۳۲۹
- اصطلاحات طب‌ستی و بهداشتی پزشکی و دامپزشکی..... ۳۳۱
- انواع علم‌ها، اختراعات و صنایع جدید..... ۳۳۵
- منابع و مأخذ..... ۳۳۷
- پیوست‌ها..... ۳۴۵
- شجره‌نامه خاندان مؤلف..... ۳۴۷

۳۴۹.....	پیوست تصاویر
۳۵۱.....	تصویر سرفصل‌های شش فصل
۳۵۷.....	چند نمونه دستخط و مکاتبات مولف
۳۶۱.....	عکس‌های مولف در دوران مختلف
۳۷۲.....	فرزندان مؤلف
۳۷۷.....	آثار هنری مؤلف در حوزه عکاسی
۳۸۸.....	عکس‌هایی از محل زندگی مؤلف

سیاس نامه

در طول مدتی که مشغول تصحیح کتاب شش فصل بودم. دوستان و محققان بسیاری با من خالصانه و صمیمانه همکاری نموده‌اند که از همه آنها سپاس فراوان دارم و از خاندان معظم مولف که از هرگونه مساعدت جهت بهتر چاپ شدن کتاب دریغ نکردند تقدیر و تشکر می‌نمایم. در پنجم مهر ۱۳۹۶ فرزند مولف با من تماس گرفتند و از تلاشم برای معرفی منطقه جنوب (نواحی ساحلی خلیج فارس) در کتاب‌ها و مقالاتم تشکر کردند و اظهار نمودند خیلی دوست دارند دیدار و گفتگویی حضوری داشته باشیم لذا قرار گذاشتند در دفتر کارشان در میدان ونک. در دیدار با مهندس امان الله حیات‌داودی و پسرش مهندس علیرضا حیات‌داودی (افشین) به اطلاع رساندم که از سال ۱۳۹۳ مشغول تصحیح کتاب «شش فصل» می‌باشم. اما تصحیح و مقدمه کتاب طولانی شد و بار دیگر در ۲۵ بهمن ۱۴۰۰ در منزلشان دیدار داشتیم و متن آماده به چاپ این کتاب را به ایشان نشان دادم که به خوبی استقبال و تقدیر کردند.

همچنین بسیار سپاسگزارم از همه‌ی دوستان و محققان بزرگواری که با ارایه نظریات، اسناد، مکاتبات و عکس‌های مختلف در چاپ هرچه بهتر این کتاب مساعدت مبذول کردند. گرامی می‌دارم یاد مرحوم نصرالله‌خان حیات‌داودی (فوت ۱۳۸۸) را که از اسناد تاریخی خاندان حیات‌داودی و عکس‌هایی که از آثار هنری مؤلف شش فصل بودند بایگانی بسیار منظمی داشت و علاوه بر در اختیار گذاشتن یک نسخه از کتاب شش فصل، برخی از عکس‌هایی را که مولف عکاسی کرده بود در اختیارم قرار دادند، من در نزد ایشان برگه‌ای حاوی چند عکس در قطع کوچک دیدم که روی آن نوشته بود: «من عمل الله‌کرم بن حیدر حیات‌داودی». همچنین در طول سال‌های اخیر برادرزاده‌اش آقای حسین حیات‌داودی (فرزند عزت‌اله‌خان) تعدادی از عکس‌های منتشر نشده مولف را جهت انتشار

اختصاصی در این کتاب برایم ارسال کردند، علاوه بر این بزرگواران، برخی دیگر از عکس‌هایی را که مؤلف از شخصیت‌های برجسته خاندان‌های حکومتگر در نواحی ساحلی خلیج فارس گرفته بود توسط دوست پژوهشگرم آقای امیرحسین حیات‌داودی، عکاسی خاطره دیلم خانم رستگار، خانم عزت خدیری، آقایان حسین دوست نظام، حسن شهرادی، محمد مذکوری و میلاد بهار در اختیارم قرار گرفتند. آقای ظهراب جعفری از روستای شول (مجموعه‌ای از اسناد تاریخی حیات‌داود و مکاتبات محلی الله‌کرم‌خان با پدر بزرگش ملاظهراب کدخدای شول) را، به من دادند که چهار نمونه پیوست شده است. دوست هنرمندم مهندس شهباز دشتی در طول این سال‌ها بارها و بارها با روی باز پاسخگوی سوالات من در خصوص زندگی‌نامه خانواده مؤلف بودند.

دوستان محققم زنده‌یاد دکتر حسین جلالپور و آقای محسن خواجه‌گیری و مهندس سید حسن رضوی در هنگام بررسی ادبیات محلی مؤلف و تاریخ خاندان حیات‌داودی نکات ارزنده‌ای را یادآور شدند. شاعر همشهری حسن فرهادی پژوهشگر در حوزه قشربندی جامعه در نواحی جنوب، آقای امید زاهد (بنیاد ایرانشناسی شعبه بوشهر) و سید محمد فاطمی‌نژاد (کتابخانه مجلس شورای اسلامی)، در تهیه منابع مورد نیاز جهت مقدمه و تصحیح متن مساعدت نمودند.

همسرم سرکار خانم دکتر آرمیندخت امین (عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی کرج) و دخترانم پردیس و پگاه، در تمام مراحل تصحیح متن، تهیه مقدمه و تنظیم پیوست‌ها مشاوره و همکاری مستمری داشته‌اند.

صفحه‌آرایی و فهرست‌اعلام توسط آقای علی‌اکبر حکم‌آبادی با حوصله و دقت تحسین برانگیز انجام شد. همچنین از انتشارات آبات (قم) آقایان حسینی‌مقدم و سیدجواد حائری جهت چاپ با کیفیت این کتاب تقدیر به عمل می‌آید.

در پایان بار دیگر از حمایت همه جانبه، خضوع، تواضع و پیگیری فرزند بزرگوار مؤلف، جناب آقای مهندس امان‌الله حیات‌داودی جهت انتشار هرچه بهتر این کتاب، کمال تقدیر و تشکر را دارم.

علیرضا خلیفه‌زاده

۳۱ مرداد ۱۴۰۱ کرج

مقدمه و یادداشت فرزند مولف

اینجانب امان‌اله حیات‌داودی کوچکترین و آخرین فرزند مرحوم اله‌کرم‌خان حیات‌داودی رئیس ایل حیات‌داودی، در نوباوگی زمانی که بیش از یازده ماه از عمرم نمی‌گذشت پدر خود را از دست دادم و تحت سرپرستی مادرم و برادر ارجمندم مرحوم فتح‌اله‌خان حیات‌داودی رشد نمودم، با وجودی که از دیدار پدر محروم بودم آنچه از پدرم می‌دانم گفتار شفاهی مادرم، برادرم مرحوم فتح‌اله‌خان، پسرعموها و دوستان و آشنایان و نویسندگان کتاب‌های تاریخی و سفرنامه‌ها می‌باشد.

متأسفانه با وجود شایعات بی‌اساس که توسط بعضی افراد وابسته به دولت‌های نظام گذشته جهت برداشت سیاسی، خوانین و ریاست ایلات را افرادی ظالم و خودکامه معرفی می‌کردند!! همیشه عشایر و رئیس آن‌ها (خوانین) مردمانی سالم، زحمتکش بوده و مهمترین مسئولیت آن‌ها حفظ مرزهای کشور از تاخت و تاز بیگانگان و همراهی با دولت‌های وقت بوده و با جانفشانی و اعزام افراد جنگجوی ایل خود به کمک دولت‌ها و افراد وطن‌پرست و پیروی از سیاست آن‌ها جهت حفظ آن مرز و بوم بوده است. یکی از مثال‌ها، فرار جوانمرد جنگجو و وطن‌پرست لطفعلی‌خان زند است که بعد از مسدود شدن راه‌های ورود به شیراز به دستور والی فارس [میرزا ابراهیم کلانتر]، به منطقه حیات‌داود پناه آورده و جهت کمک در جنگ زرقان در مصاف با آغامحمدخان قاجار تقاضای کمک از نیروهای حیات‌داود نمود، شهید امیرعلی‌خان حیات‌داودی رئیس وقت ایل حیات‌داود درخواست مشارالیه را پذیرفت و خود به اتفاق تعداد کثیری جنگجو از ایل، به کمک شاهزاده جوان لطفعلی‌خان زند رفت و در جنگ دشت زرقان به شدت مجروح شد و بر اثر این زخم به شهادت رسید در حالی که لطفعلی‌خان زند در جنگ پیروز شد (در تاریخ زندگی لطفعلی‌خان به این موضوع اشاره شده است).

اخلاق و روحیات مرحوم اله‌کرم‌خان طبق گواهی و خاطرات دوستان ایشان و نویسنده سفرنامه زیر آسمان ایران آقای هرمان نوردن در سفر به حیات‌داود و ملاقات پدرم:

از مرحوم اله‌کرم‌خان به عنوان فردی با سواد با طبعی ظریف و منش بزرگوارانه یاد می‌شود، از جمله به گل و گیاه فوق‌العاده علاقه داشت و با شعر و کتاب بیشتر وقت خود را می‌گذراند، ایشان تمام هم خود را صرف پیشرفت نموده و برای اولین بار آسیاب بادی را از شیکاگو خریداری و به ایران حمل نموده و در باغی که مشهور به «باغ خان» بود مورد استفاده قرار دادند. ایشان در این باغ که در نزدیکی بندرریگ وجود داشته و در حال حاضر به ویرانه‌ای تبدیل شده، انواع درختان و گل و گیاه نایاب در منطقه حیات‌داود (بندرریگ) به وجود آورده بودند. اولین باغ وحش ایران را نیز در نزدیک بندرریگ ایجاد کردند که طبق سفرنامه‌ها و کتاب‌های مختلف و شهادت افراد بومی بی‌نظیر بوده است.

به زبان انگلیسی کاملاً مسلط بودند و هرمان نوردن در کتاب زیر آسمان ایران مفصلاً در آن مورد قلم فرسائی کرده‌اند.

با دولت‌مردان زمان خود روابط بسیار نزدیک داشته و با نمایندگان دولت‌های مختلف حشر و نشر و دوستی داشتند که در این کتاب شش فصل تصحیح آقای دکتر علیرضا خلیفه‌زاده و تاریخ بیست ساله ایران نوشته آقای حسسین مکی به آن اشارت رفته است. ایشان به روایت دوستان، سیاستمداری با اندیشه عالی و پیشرفته در زمان خودشان معروف بوده که بیشتر گرفتاری ایشان در همین زمینه بوده است.

از ایشان سه فرزند ذکور و چهار فرزند دختر باقیمانده بود که در حال حاضر فقط اینجانب در حیات هستم. اینجانب بیش از این نمی‌توانم در مورد ایشان بنویسم چون دیگران به طور کامل در زمینه اخلاق و رفتار و سیاست ایشان قلم فرسائی کرده‌اند.

نزدیکی اینجانب با برادرم مرحوم فتح‌اله‌خان حیات‌داودی زبانزد همه بوده است، ایشان گذشته از برادری صمیمی و دوست داشتنی و سرپرستی اینجانب در کودکی، در جوانی در جریان مشکلاتی که برای ایشان به وجود آورده بودند از نزدیک پیگیری نموده بخصوص دو مرتبه که تبعید و زندان شدند همیشه در نزدیک ایشان بودم حتی شب قبل از تیرباران ایشان، در ملاقاتی که با ایشان داشتم برایم فراموش نشدنی است، روحیه قوی، صحبت‌های بسیار در ذم سیاست و نصیحت‌های برادرانه و پدرانه که در وصیت‌نامه ایشان در مورد اینجانب درج شده است همیشه بنده را تحت تاثیر قرار داده است.

امان اله حیات‌داودی

تهران، آبان ۱۴۰۱

یک چهره جنوبی^۱

به قلم: امیرحسین حیات‌داودی

کارشناس ارشد تاریخ ایران باستان و دبیر صفحه تاریخ هفته نامه دریادلان

«الله‌کرم‌خان حیات‌داودی فرزند حیدرخان بندرریگی بود. او در کتابش، شش فصل خود را چنین معرفی می‌کند:

الله‌کرم بن حیدر بن خانعلی بن مراد بن قائدحسین... از طایفه حیات‌داودی که... در اوایل سلطنت [شاه اسماعیل] صفوی از خرم‌آباد به منطقه گناوه کوچ نموده‌ایم و چون منطقه از هر حیث قابل سکونت بود، در این منطقه «رحل اقامت افکندیم، هرچند کلیه این بلوک را به تصرف درآورده و به نام طایفه خود حیات‌داوود نام گذاشتیم که مشتق از کلمه حیات‌غیبی می‌باشد که نام قبیله‌ای است در خرم‌آباد، چنانچه از پیش گفتیم» مکان و تولد اکثر اجداد من در گناوه می‌باشد «که در کنار بحر فارس و قریب به دوازده فرسخ طرف شمالی بوشهر واقع شده و آبادی حالیه گناوه از آنان بوده که پس از افتتاح شهر گناوه به دست لشکر عرب در حال ویرانی بوده، تا هنگامی که اجداد بنده نگارنده وارد به این شهر» و شروع به آبادانی نمودند «و چون مدت اقامت‌شان به درازا کشیده، می‌توان آن‌ها را گناوه‌ای» خطاب کرد. «خلاصه ریاست این بلوک و توابع آن از دیر زمان به این طایفه

۱ - نامه گناوه، کتاب اول، "مقاله چهار چهره جنوبی" امیرحسین حیات‌داودی، انتشارات دریانورد، گناوه، ۱۳۸۱: از

محول بوده و تاکنون به همان قرار باقی [می] باشد و بسی خدمات نمایان از این طایفه به ظهور رسیده است که به دولت ایران نموده‌اند؛ چنانکه در ذیل احوالات لطفعلی خانزند و حمایت و خدماتی که امیرعلی خان حیات‌داودی به او نموده، در بعضی از کتب تاریخی مسطور است. مقصود این بنده تاریخ‌نگاری نیست ... و اگر بخواهم ... تاریخ این طایفه مفصلاً نگارم، باید کتابی جداگانه ترتیب دهم و آن را تاریخ حیات داوود» بنامم که فرصتی دیگر می‌خواهد و فراغتی بیشتر که خداوند نصیب نماید (شش فصل، ۱۳۳۶: ۲ و ۳).

اله‌کرم خان مردی با سواد و فرهیخته بود و از افکار فئودالی فاصله داشت. او همیشه سرگرم مطالعه و تالیف و تصنیف و ترجمه کتاب بود. آثاری که از او منتشر شده‌اند عبارتند از:

۱- شش فصل

۲- حفظ الصحه برای مدرسه متوسطه

۳- ترجمه فارسنامه ابن بلخی

۴- عادات ملل عالم دارای عکس‌های متعدد

۵- تاریخ جنگ اروپ

او همچنین با دستگاه مورس یا [ارسال] تلگراف آشنا بود. در ماشین نویسی مهارت داشت. به عکاسی و ظهور عکس علاقه داشت، عکس‌های قدیمی خانوادگی را خودش ظاهر می‌کرد. او به زبان انگلیسی بسیار فصیح صحبت می‌کرد و کتاب فارسنامه ابن بلخی را از انگلیسی به فارسی ترجمه کرد.

در کتاب "زیر آسمان ایران" نوشته هرمان نوردن چنین آمده است: «خوشوقت و شکرگزارم که در گناوه با اله‌کرم خان فرزند حیدرخان حیات‌داودی آشنا شدم. حیدرخان حاکم منطقه‌ای است به نام حیات‌داود که این حکومت را از پدر به ارث برده است... اله‌کرم خان وارث این حکومت خواهد بود، تحصیل کرده و متجدد است. انگلیسی را بسیار فصیح صحبت می‌کند اما به علت حشر و نشر داشتن با زمین شناسان اسکاتلندی که مدتی در این منطقه مشغول کاوش‌های علمی بوده‌اند، انگلیسی را با لهجه اسکاتلندی تکلم می‌کند ... اله‌کرم مرد خوش صورتی است با پوست روشن که از تابش آفتاب تیره شده و به سرخی گراییده است. موهای موج و براق او در زیر کلاه سیاه بی لبه‌ای که از موی بز تهیه شده پنهان گشته است. او پیراهن ابریشمی سیاه می‌پوشد با شلواری به رنگ

کرم روشن و کتی به همان رنگ اما به فرم کت قزاقان روسی قدیم که بلندی این کت تا به زانویش می‌رسد و شالی از ابریشم سفید با چین‌های بسیار مرتب، بر کمر دارد... از گناوه تا بندرریگ را که دوازده میل مسافت داشت با اسب‌های عربی چهار نعل» رفتیم «اسب من زیباترین کره‌ای بود که تاکنون سوار شده بودم معلوم شد داستان‌هایی که درباره اسب‌های ایرانی گفته شده است افسانه نیست... اله کرم خان آسیاب بادی را از دور به من نشان داد و گفت این آسیاب از شیکاگو به ایران حمل شده است» کم کم به ساختمان‌ها رسیدیم «حیدرخان از پله‌های مسجد [حسینیه] پایین آمد، مردی با ریش خاکستری و چشمان تیز بین سیاه که با عبایی که بر دوش داشت و تا روی پایش فرود می‌آمد بسیار متین و با ابهت به نظر می‌رسید» به اتاق نهار خوری که وارد شدیم آن قدر میزهای کوچک وجود داشت البته میز نهارخوری بزرگ بود «که احساس می‌کردم به کافه‌ای وارد شده‌ام. اتاق من دری به اتاق دفتر اله کرم خان داشت، خان پیر با کتابخانه‌ای که کتب مختلف [پسرش] به زبان‌های مختلف در آن جای داده شده بود کاری نداشت و به لوازم عکاسی و وسایل تلگرافی که مورد توجه پسرش بود و در این اتاق جا داشت توجهی نداشت. اما از سوالات او معلوم بود که بر اوضاع جهان وقوف کامل دارد... و از من پرسید به کجا سفر کرده‌ام و آیا شهر بنارس [هندوستان] شباهتی با شهرهای شیعه مذهب [ایران] دارد؟ ... و می‌خواست بداند من چه اطلاعاتی در مورد انقلاب ایلات ریف و سوریه دارم»^۱.

اله کرم خان حیات داودی وقتی رضاشاه، سردار سپه بود و در سفری به بوشهر آمده بود، ایشان هم از طرف طایفه حیات داودی به بوشهر رفت. وقتی رضاخان از جلوی آنها رد می‌شد اله کرم چون دائما با ماشین تایپ و مورش سر و کار داشت، با انگشتانش بازی می‌کرد. رضاخان وزیر جنگ خشمگین شد و نگاهی کرد به پرچمی که بالای ساختمان کنسولگری بریتانیا با وزش باد تکان می‌خورد و گفت: بعضی‌ها به این پرچم احترام می‌گذارند و در برابر بیگانگان کرنش می‌کنند ولی به خودی احترام نمی‌گذارند!

اله‌کرم‌خان جواب داد: سران این مملکت در برابر این پرچم کرنش می‌کنند، ما که یک کدخدای محلی هستیم. رضاخان منظور او را دریافت و پس از رسیدن به سلطنت او را به شیراز تبعید کرد. او دیگر هیچ وقت به محل نتوانست برگردد و در شیراز به رحمت ایزدی پیوست.^۱

۱ - نامه گناوه، دفتر اول (مجموعه مقالات)، به کوشش غلامحسین دریانورد، انتشارات دریانورد، گناوه، ۱۳۸۲، «مقاله چهارچهره جنوبی»، امیرحسین حیات‌آوردی، از ۴۱ تا ۵۷؛ از ۵۲ تا ۵۵ (معرفی اله‌کرم‌خان).

مقدمه مصحح

در زمستان سال ۱۳۷۹ به همراه آقای کریم حاجی پور کارمند اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی گناوه به روستای مهمدی در دهستان رودحله رفتم و به منظور معرفی الله کرم خان حیات داودی در «همایش گناوه در بستر تاریخ» به عنوان یکی از مؤلفان و مترجمان پیشکسوت گناوه، بندرریگ و حیات داود، یک جلد از کتاب شش فصل و یک جلد کتاب ترجمه فارسنامه ابن بلخی را به منظور معرفی در «همایش گناوه در بستر تاریخ» از آقایان نصراله خان حیات داودی و برادرزاده اش حسین حیات داودی به امانت گرفتم و کپی تهیه کردم. همواره به فکر تصحیح و انتشار مجدد این دو کتاب ارزشمند بودم تا این که در سال ۱۳۹۳ کتاب شش فصل را به طور کامل حروفچینی و در طول چند سال اخیر به طور مستمر متن آن را تصحیح و اندیشه‌های مؤلف فاضل آن را بررسی و استخراج کردم. در سال‌های اخیر یک نسخه از این کتاب نایاب بر روی سایت گوگل بوک قرار گرفته است که آقای حسین حیات داودی به من اطلاع دادند و در مواردی که نسخه کپی شده‌ام ناخوانا بود به آن مراجعه می‌کردم. همچنین کتابخانه آیت الله بروجردی هم اخیراً یک جلد از کتاب شش فصل را به صورت رنگی بر روی اینترنت قرار داده که از مجموعه نسخ خطی و کتاب‌های چاپی اهدایی آقای محمد رضانی (۱۳۴۶-۱۲۸۳خ) مدیر انتشارات کلاله خاور و «پدر کتاب ایران» می‌باشد که تصویر برخی صفحات آن به پیوست ارایه شده است.

روش تصحیح کتاب

آنچه درباره روش‌های تصحیح این چاپ گفتنی است:

- ۱- اساس کار تصحیح تنها نسخه چاپ سربی این کتاب بود.
- ۲- تمامی آیات، برخی جملات عربی، احادیث و سرایندگان اشعار متن در حد امکان مشخص شد و معانی کلمات سخت یا کمتر رایج در پاورقی صفحات مربوطه با توجه به فرهنگ‌های فارسی توضیح داده شد.
- ۳- برای تسهیل انطباق مطالب این تصحیح با نسخه اساس، ابتدای هر صفحه شماره آن در پرانتز () گذاشته شد. در فهرست اعلام نیز شماره صفحه اصلی هر کلمه جلوی آن در پرانتز قرار گرفت.
- ۴- اصلاح بعضی از کلمات که در روزگار مؤلف (اواخر دوره قاجار) رسم الخطشان غلط پنداشته نمی‌شد و جزو خصوصیات ادبی دوره قاجار بوده است، مانند: مکتب خوانه (۴)، خواطر خواه (۸)، بنده‌گی (۸۲) و ... به شکل جدید مکتب‌خانه، خاطر خواه و بندگی اصلاح شد و همه موارد اصلاح شده در پاورقی صفحات متن اصلی کتاب نیز مشخص شدند.
- ۵- برخی اغلاط املائی شاید به دلیل حروچینی اشتباه یا سهوالقلم به کتاب راه یافته‌اند مانند: تولی (۷۲) : طولی، بواسطه (۸۵): بواسطه، و... که در پاورقی اشاره و در متن اصلاح شد.
- ۶- برخی اغلاط شاید بدخوانی واژه‌های محلی باشد یا برداشت مؤلف از ریشه کلمه باشد مانند «بانده» که در لفظ محلی جنوب به پرنده می‌گویند اما حیات‌داودی در متن این کتاب دو بار با املائی «بالنده» آورده است (۵۱ و ۱۷۵).
- ۷- برخی اغلاط متن ناشی از بدخوانی متن بوده که اصلاح شد و شکل صحیح مورد نظر مؤلف در متن قرار گرفت مانند: اخلاطشان که در متن به صورت اخلافشان آمده است. «جولان دم و اخلافشان (اخلاطشان) نمودار می‌شود» (۱۷۷). این غلط املائی با توجه به تغییر کلی معنای جمله، مشخص است که از جانب حروفچین وارد متن شده است و مقصود مؤلف نبوده است.

۸- بعضی از جملات را با گذاشتن قلاب [] کامل کردم .

افزوده‌های مصحح

۱- ادبیات محلی نویسنده، برخی اصطلاحات محلی، کلمات عامیانه و ترکیبات مختص جنوب، در مقدمه به طور مفصل بررسی شد.

۲- فهرست کسان و جای‌ها و کلمات خاص طب و بهداشت و انواع پیشه‌ها، و ... استخراج شد.

۳- تاریخ دقیق چاپ کتاب شش فصل بر اساس متن مشخص شد.

۴- عکس‌های مختلف منتشر نشده مؤلف و چند نمونه از مکاتبات محلی‌اش با کدخدایان گناوه و حیات‌داود پیوست شد.

۵- موضوع اتفاقات سیاسی آغاز دوره پهلوی و بازداشت اله‌کرم‌خان و تبعید در سالهای ۱۳۱۱-۱۳۱۳ به شیراز که تا پایان عمرش ادامه یافت به طور مستند در مقدمه بررسی شد. با توجه به اطلاعات پراکنده و گاه مشوش منابع محلی راجع به سفرهای متعدد رضاخان سردار سپه و وزیر جنگ یا رضا شاه به بوشهر، تاریخ دقیق هر پنج سفرش به بوشهر مشخص شد.

۶- سندی که حیدرخان حیات‌داودی همانند گزارش مستوفی در ۱۱۲۸ق، حیات‌داود را مشتق از نام دو برادر می‌داند، پیوست شد.

۷- مروری بر تاریخچه سیاسی - اداری و شکل‌گیری بلوک حیات‌داود در مقدمه ارایه گردید .

۸- نظرات اله‌کرم‌خان در خصوص عمران و آبادانی گناوه توسط حیات‌داودی‌ها و خدمات نمایان مشاهیر آن قبیله به کشور و دیگر اندیشه‌هایش کاملاً بررسی شد. نکات حایز اهمیت جامعه‌شناسانه‌ی مؤلف از باورهای مردم کرانه‌های خلیج فارس که با عنوان «تنقید اعتقاد عوام» در فصل سوم، فصل پنجم و در انتهای فصل ششم آورده بود، همه در مقدمه بررسی شد.

۹- به دیدارهای اله‌کرم‌خان با آرنولد ویلسون، هرتسفلد و هرمان نوردن در مقدمه اشاره شد.

۱۰- مؤلف به دلیل اشتغالش به هنر عکاسی، اطلاعاتی جالب از جزئیات علم عکاسی ارایه نموده، که در مقدمه مشخص شد. همچنین چند نمونه از عکس‌هایی که از شخصیت‌های مختلف گرفته پیوست گردید.

منابع مورد استفاده برای تصحیح در شش فصل

فرهنگ دهخدا، فرهنگ معین، گلستان و بوستان سعدی، معراج السعاده نراقی، اشعار ادیب‌الممالک فراهانی، ناسخ التواریخ، اشعار هاتف اصفهانی، سایت کامپیوتری علوم اسلامی نور، سایت کتابخانه آیت اله بروجردی، کتابخانه دیجیتال قطر و سایت گنجور و ... می‌باشد.

شش فصل از منظر کتاب‌شناسان و محققان

در معرفی کتاب شش فصل برای نخستین بار، خانابا مشار در کتاب شش جلدی «مؤلفین کتب چاپی عربی و فارسی از آغاز چاپ تاکنون»، جلد یک، چاپ ۱۳۴۰، شرکت سهامی چاپ رنگین، تهران، ص ۶۵۲ نوشته:

«الله‌کرم حیات‌داودی، شش فصل، بندربوشهر، ۱۳۳۶ق، سربی، رقعی، ۲۳۵ص».

همچنین در صفحه بعد (۶۵۳) عکس الله‌کرم‌خان را درج کرده است.

در مجموعه پنج جلدی دیگرش به نام «فهرست کتاب‌های چاپی» که از سال ۱۳۳۷ تا ۱۳۵۲ خان‌بابا مشار در چاپخانه ارژنگ تهران به چاپ رسانده است، در جلد سوم چاپ ۱۳۵۲ در صفحه ۳۲۷۱ بدین شکل به معرفی این کتاب پرداخته است: «شش فصل؛ الله‌کرم حیات‌داودی، بوشهر، ۱۳۳۶ق، رقعی، ۱۳۵ص» [که درستش ۲۳۵ص است].

بعد از آن، همچنین کتاب «موسوعه مؤلفی الإمامیه»، اثر گروهی از نویسندگان مجمع الفکر الإسلامی، که دایره‌المعارفی است پیرامون مؤلفین امامیه (شیعی) و به زبان عربی نوشته شده است. در جلد پنجم ص ۱۳۷ (چاپ قم، ۱۳۷۸خ) ذیل الله‌کرم بن حیدر حیات‌داودی به معرفی شش فصل پرداخته است.

پروفسور سیدجعفر حمیدی در فرهنگنامه بوشهر چاپ ۱۳۸۰ (انتشارات وزارت ارشاد) در صفحات ۱۵۵ تا ۱۵۷ به طور مختصر به معرفی این مؤلف «بندرریگی» پرداخته و اطلاع می‌دهد که وفاتش «در شیراز روی داد و جنازه‌اش به نجف اشرف منتقل گردید». همچنین

پروفیسور حمیدی در کتاب بندرریگ چاپ سال ۱۳۸۱ به معرفی موضوعی تک به تک فصل‌های کتاب شش فصل پرداخته است (از ۷۴ تا ۷۶).

استاد ایرج افشار نیز در ۲۰ و ۲۱ آذر ۱۳۸۴ در بندرگناوه به منزل بنده (علیرضا خلیفه‌زاده) تشریف فرما شدند که تصویر یک جلد از «فارسانامه ابن بلخی» ترجمه اله‌کرم خان حیات‌داودی را که خیلی‌برایش تازگی داشت به ایشان هدیه کردم و ایشان در مجله بخارا شماره ۵۳، تیر و مرداد ۱۳۸۵، صفحات ۱۸۵ تا ۱۸۸ به طور مفصل به نقد و معرفی آن کتاب پرداختند و در ص ۱۸۶ به معرفی کتاب «شش فصل» توسط خان‌بابا مشار اشاره کرده است.

محمد مذکوری جوان شاعر و محقق بندرریگی در کتاب همسایه دریا چاپ نشر هلیله بوشهر در سال ۱۳۹۹ تعدادی از شاعران، نویسندگان و هنرمندان بندرریگی را معرفی نموده است. ذیل عنوان «الله کرم حیات‌داودی نویسنده و مترجم» به معرفی مختصر احوال و آثارش پرداخته است و با اشاره به مقاله «بندرریگ در گذر تاریخ معاصر» نوشته‌ی استاد حسین جواهری در هفته نامه صدای بندر، آورده است: «زمانی الله کرم خان که در تبعید به سر می‌برده است به دلیل فشار حکومت پهلوی به سختی امرار معاش می‌کرده اما ... او به سابقه بلند طبعی خود، خانه‌ی مجللی در هنگ سلحشور شیراز (باغ تخت امروزی) در اجاره داشته تا استاندار و فرمانده لشکر نیندازند که او محتاج است»^۱.

دکتر رسول جعفریان (استاد گروه تاریخ دانشگاه تهران) «کتاب مستطاب شش فصل» را در پاییز ۱۴۰۰ از طریق نشر مورخ در قم در تیراژ پنجاه نسخه با مقدمه‌ای مفصل با محوریت علم به چاپ رسانده است. او در معرفی مختصر این اثر در پشت جلد کتاب اظهار نموده است: «کتاب مستطاب شش فصل از الله کرم خان حیات‌داودی است که آن را در سال ۱۲۹۶ خورشیدی نوشته است. وی در بیست و هشت سالگی این کتاب را نوشت و طی فصول ششگانه آن، درباره اندیشه‌های عوامی در جامعه و لزوم علمی نگریستن به مسائل، دیدگاه‌های خود را عرضه کرد. فصول کتاب درباره اهمیت علم، نقد عوام‌گرایی، مسأله خواب دیدن و رؤیا و حفظ‌الصحه و بهداشت است. نویسنده نشان می‌دهد طرفدار اصلاح

افکار آدمیان، علمی اندیشیدن همراه با تدین، برای ورود به دنیایی بهتر و زندگی آبرومندتر برای ایرانیان است. این اثر را می‌توان یکی از حلقات فکر اصلاحی ایرانی در اواخر دوره قاجار در جدال میان افکار سنتی و جدید دانست و طی آن به بخشی از چالش‌های موجود در این زمینه پی برد.

معرفی دیگر آثار الله‌کرم‌خان حیات‌داودی

علاوه بر کتاب اخلاقی و انتقادی «شش فصل»، و ترجمه فارسی از ترجمه انگلیسی «فارسنامه» ابن بلخی چاپ ۱۳۳۷ قمری مطبوعه علوی بوشهر، این خانداده فرهیخته سه کتاب دیگر نیز در دست چاپ داشته است که در پشت جلد کتاب فارس‌نامه بدین شکل معرفی نموده است:

«غرض نقشی است کاز ما باز ماناد	که هستی را نمی‌بینم بقایی [سعدی]
شش فصل	یک جلد
حفظ‌الصحه ابتدایی برای مدرسه متوسطه	(۲) قران
فارسنامه	(۲)
عادات ملل عالم با عکسهای متعدد	(۳)
تاریخ جنگ اروپ	(۳)

به غیر از شش فصل و فارس‌نامه، کتاب‌های دیگر هنوز طبع نشده و محل فروش این کتاب‌ها بندربوشهر و بندرریگ و بندردیلم است. طالبین رجوع به نقاط مذکور بنمائید.

سید قاسم یاحسینی پژوهشگر پرکار و نویسنده مشهور بوشهری در کتاب صد سال مطبوعات بوشهر (رکنی اساسی در تاریخ روزنامه‌نگاری ایران) چاپ اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر در سال ۱۳۷۴ اظهار می‌کند که کتاب «حفظ‌الصحه ابتدایی برای مدرسه متوسطه» نیز در چاپخانه علوی چاپ شده است^۱، هرچند تاکنون نسخه‌ای از آن دیده نشده است. اما نشان می‌دهد یکی از دغدغه‌های مؤلف حفظ صحت یا بهداشت بدن بوده و

۱ - یاحسینی سیدقاسم، صد سال مطبوعات بوشهر (رکنی اساسی در تاریخ روزنامه‌نگاری ایران)، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر، ۱۳۷۴، ۳۱.

ظاهرا تالیفی جدا از فصل ششم این کتاب برای آموزش دانش آموزان (مدرسه سعادت بوشهر) بوده است.

همچنین تاکنون از دو کتاب «عادات ملل عالم با عکسهای متعدد» و «تاریخ جنگ اروپا» نیز نسخه‌ای چاپی یا دست نوشته‌ای یافت نشده است.

مؤلف و شوق تالیف دیگر آثار

دیگر آثاری که حیات داودی قصد تالیف یا ترجمه‌شان را داشته است، یا اظهار علاقه کرده که نوشتن آنها ضروری است.

۱- کتاب تاریخ حیات داوود

مؤلف در ابتدای کتاب دلیل نگارش فصل اول را فقط معرفی خود به خوانندگان می‌داند و اظهار می‌کند که قصد تاریخ نگاری ندارد و گرنه باید کتابی جداگانه به نام «تاریخ حیات داوود» بنویسد (۳) و ای کاش می‌نوشت! تا امروز ما گنجینه‌ای ارزشمند داشته باشیم.

۲- کتابی علیحده در مورد فواید علوم یدی

«یک قسم از علوم که علم یدی است یا آنکه "کسب" می‌نامند. مثل نجاری، آهنگری، زرگری، بنایی و غیره که اگر بخواهیم نام آنها را بگوییم برای شماره آنها باید کتابی علیحده بنویسیم و این علوم فایده‌اش بر همه کس واضح و هویدا است» (۲۹).

۳- کتاب تذکرة الفرسا

حیات داودی می‌نویسد:

«هرچه ملاحظه کنی از اول خلقت تاکنون بزرگان دین و امراء بزرگ، شجاعان نامدار بوده‌اند (شجاعت الحسینیه) که مشهور است و اگر بخواهیم یکان یکان شجاعت‌های نامی را که غالبی از آنها رؤسای دین بوده‌اند و در عقل و دانش آن شکی نیست بشماریم باید کتاب دیگر به اسم «تذکرة الفرسا» بنویسیم» (۹۵).

۴- کتابی درباره روح

نویسنده در آغاز فصل پنجم گفته است که اگر بخواهد درباره روح بنویسد خود کتابی

جداگانه می‌شود. «اگر بخواهیم به درستی وضع روح و چگونگی آن را در بدن و سبب زندگانی را بگوییم خود «کتابی علیحده» می‌شود» (۱۱۵).

۵- ترجمه‌ی «کتاب شرح سبب زندگانی» راجع به خواب

آرزوی مؤلف برای ترجمه کتابی انگلیسی در مورد سبب زندگانی در مقابل سبب خواب: «به توفیق پروردگار که مالک کل ارواح است و پیدایش آن‌ها از اوست، در «کتابی دیگر که [از] انگلیسی ترجمه می‌شود» شرح سبب زندگانی را مفصلاً به عرض می‌رسانم» (۱۱۵). این آرزوها (جمله‌های فوق) ذهن فعال مؤلف را برای نوشتن کتاب‌های دیگر نشان می‌دهد اما چه اتفاقاتی باعث شده که حیات‌داودی دیگر سراغ تالیف و ترجمه این آثار - که از آرزوهایش بوده - نرود، دلایل آن نیاز به بررسی دارد، هرچند بی تاثیر از فضای سیاسی جدید کشور و کودتای ۱۲۹۹، قدرت گرفتن پهلوی و تلاش او برای تضعیف خاندان‌های حکومتگر محلی نیست.

آن طور که از متن کتاب شش فصل دریافت می‌شود منابع انگلیسی متعددی در کتابخانه‌اش داشته است. او به برخی از کتاب‌های انگلیسی کتابخانه‌اش اشاره کرده است: ظاهراً کتابی انگلیسی در مورد خواب و رویا داشته که احتمالاً فصل خواب این کتاب را تحت تاثیر آن نوشته است و همانطور که پیش از این یادآور شدم اظهار تمایل کرده که در آینده این کتاب را ترجمه و چاپ کند (۱۱۵). اطلاعات او درباره علم «میس‌مریزم» هم نشانه‌ای دیگر از مطالعات گسترده مؤلف در منابع غیر فارسی است.

حیات‌داوود یا حیات‌داود

به هر دو شکل صحیح است. می‌توان گفت: حیات‌داوود به شیوه نگارش فارسی و «حیات‌داود» به رسم الخط عربی (حیوة داود) است. به طور معمول تا دهه‌های اخیر در منابع آموزشی واژه‌هایی که هجای میانی "و" دارند، مانند: داوود، طاووس، کاووس، چاووش و سیاوش، و... توصیه می‌شد که با دو واو نوشته شوند. زیرا در کلماتی که (دو واو) دارند، در اصل (واو اولی) صامت و دیگری مصوت است. ولی در سال‌های اخیر کلمات فوق با یک «واو» هم نوشته می‌شوند. در برخی موارد نیز حتماً با یک (واو) صحیح است: یک هنگامی که تبعیت از رسم الخط قرآنی مد نظر باشد مانند: داود. دوم جایی که

نام شخص در شناسنامه با یک "واو" آمده باشد^۱. نام خانوادگی و شهرت «حیات داودی» نیز غالباً در شناسنامه‌ها با یک (واو) ثبت شده است. مصحح شکل نگارشی به هم چسبیده یا بدون فاصله (حیاتداود و حیاتداودی) را نیز به دلیل امکان جستجوی راحت‌تر در منابع و فضای مجازی، توصیه می‌کند.

معرفی تفنگ مؤلف

این عکس مؤلف در اولین صفحه کتاب شش فصل است.



عکس ۱: لباس سرداری، قبا‌ی محلی، پیراهن، کلاه سیاه نم‌دی، شال ابریشم، قطار فشنگ.

اسلحه‌ی در دست الله‌کرم‌خان حیات‌داودی در عکسی که در آغاز کتاب شش فصل چاپ شده پرون پنج تیر یا برونینگ A5 بلژیکی نام دارد^۲.

۱ - ر.ک: مقاله «چرا داوود با دو واو صحیح است؟»، داوود ملک زاده، رشد آموزش زبان و ادب فارسی، زمستان ۱۳۸۶ - شماره ۸۴ (۳ صفحه - از ۵۴ تا ۵۶).

۲ - این سلاح را جان موسس برونینگ در ابتدا برای شرکت وینچستر در سال‌های ۱۸۹۸ تا ۱۹۰۰ طراحی کرد و پس از این‌که شرکت وینچستر این طرح را نپذیرفت، برونینگ این سلاح را به شرکت رمینگتون (بلژیک) عرضه داشت که در آنجا تولید شد. برونینگ آ ۵ پدر تمام شاتگان‌های نیمه اتوماتیک جهان هست این اسلحه ساخت بلژیک هست و دارای لول ۲۶ اینچ هست. این سلاح از کیفیت ساخت بسیار بالایی برخوردار است از ایرادات این سلاح وزن سنگین آن است (۴۱۰۰ گرم) که برای شکار کوهستان جالب نیست و بیشتر برای شکار در مناطق دشت و هموار مناسب است. به جرأت می‌توان گفت از بهترین سلاح‌های ساچمه زن پنج تیر نیمه اتوماتات A5 browning هست. منبع: <http://rifles.ir/showthread.php?tid=588> (۱۳۹۳/۰۴/۱۸).

این مدل سلاح یکی از قدیمی ترین طرح های ساچمه زن نیمه خودکار است و اولین نیمه خودکاری است که تولید انبوه شد.

زندگینامه مؤلف شش فصل

الله کرم خان حیات داودی (۱۳۲۰-۱۲۷۰خ).

کدملی: ۳۵۳۹۵۲۳۴۹۹

نام پدر: حیدرخان (تولد ۱۲۴۶- درگذشت ۱۳۱۲خ، ضابط حیات داود).

نام مادر: بی بی کوچک (فوت قبل از ۱۳۱۰خ)، از خاندان آل مذکور بوشهری بوده^۱ و منابع نوشته اند دختر شیخ بوشهر است^۲ به احتمال زیاد دختر شیخ نصرخان (دوم) آل مذکور آخرین حکمران موروثی بوشهر باشد، که در سال ۱۲۶۶ق توسط حکومت قاجار برکنار شد و در ۱۲۷۷ق درگذشت^۳.

مؤلف در سال ۱۳۰۹ق (یعنی در حدفاصل مرداد ۱۲۷۰ تا مرداد ۱۲۷۱خ) در دهستان رودحله از توابع بندرریگ به دنیا آمده است. اما در شناسنامه اش به اشتباه ۱۶ آذر ۱۲۶۴خ به عنوان تاریخ تولدش ثبت شده که حدود شش سال بزرگتر از سن واقعی اش می باشد احتمالاً ۱۶/۰۹/۱۲۷۰ (۵ جمادی الاول ۱۳۰۹) به صحت نزدیکتر است. البته تاریخ دقیق درگذشتش ۲۰ فروردین ۱۳۲۰ در شیراز و مزارش در نجف اشرف است.

این اشتباه ثبت بزرگتر سن، در شناسنامه پدرش و فرزند ارشدش غلامحسین خان هم دیده می شود. چنانکه پدرش حیدرخان حیات داودی^۴ فرزند خانعلی خان و شاهزاده (از طایفه تاجدینی بوالفتحی لیراوی) متولد ۱۲۸۳قمری مطابق ۱۲۴۶شمسی است ولی تاریخ

۱ - قبل از اینکه حیدرخان با آل مذکور وصلت کند، پدرش خانعلی خان نیز یکی از زنانش خورشید دختر شیخ عبدالرسول آل مذکور بوده که حاصل آن ازدواج دو دختر بوده است.

2 - WILSON.A.T, REPORT ON FARS,SIMLA,INDIAN,1916.p: 173

۳ - مظفری زاده علیرضا، تاریخ خاندان آل مذکور، ۱۳۹۵، انتشارات صفحه سفید و بنیاد ایرانشناسی بوشهر، بوشهر: ۳۸۹.

۴ - حیدرخان به غیر از پسرش اله کرم خان، دو دختر به نام «نوش آفرین خانم» همسر احمدخان حیات داودی و «اشرف خانم» همسر خانعلی خان (دوم) حیات داودی داشته است.

تولدش در شناسنامه ۱۳۴۰/۰۲/۱۰ ثبت شده که قطعا از لحاظ تاریخی اشتباه و شش سال بزرگتر درج شده است.

همسر و فرزندان اله کرم خان

همسر اول: ماهزاده خانم حیات داودی دختر عمویش حسینقلی خان، محل تولد روستای محمدصالحی در ۱۲۶۳/۷/۶ و تاریخ فوت ۱۳۱۷/۱۱/۲۴ در شیراز.

فرزندان به ترتیب سن:

غلامحسین خان (۱۲۸۲/۳/۶) (۹) - فوت مهر ۱۳۲۴ تهران

بی بی بزرگ (۱۲۸۷/۵/۱۹)

عزت خانم (۱۲۹۱/۹/۱۴)

فتح اله خان (۱۲۹۴/۱/۲۹) - ۱۳ مهر ۱۳۴۳ شیراز.

طلاخانم (تولد ۱۳۰۰/۷/۵)

فاطمه خانم (تولد ۱۳۰۴/۳/۱۱)

همسر دوم: شمس الحیا سالاریان

فرزند: امان اله خان حیات داودی (متولد ۱۳۱۹/۲/۲ - ساکن تهران).

زندگینامه خودنوشت نگارنده

دوران مکتب

اله کرم خان از سال ۱۳۱۷ق/ ۱۲۷۸خ به مدت ۸ سال در مکتب‌های سنتی در بندرریگ به کسب علم پرداخته است. در فصل اول در هنگام معرفی دوره‌ی تحصیلی خودش اطلاعات زیادی از وضع کلاس و نحوه درس‌آموزی و مشغله ملای مکتب ارایه می‌کند و از فحوای نوشته‌های حیات داودی روشن می‌شود در مکتب‌های سنتی علاوه بر آموزش

۱ - احتمالا او هم شناسنامه‌اش هشت سال بزرگتر است زیرا در زیر عکسش در شش سالگی پدرش سال تولدش را ۱۳۲۹ق برابر ۱۲۹۰خ نوشته است (عکس ۳۰ پیوست). هرمان نوردن که در تابستان ۱۳۰۶ در بندرریگ او را دیده سنش را ۱۶ سال نوشته است (نوردن، زیر آسمان ایران، مترجم سیمین سمیعی، ۲۵۳۶، دانشگاه تهران، تهران: ۳۸).

قرآن، دیوان حافظ، بوستان و گلستان سعدی جزو کتابهای درسی بوده است. مؤلف در این کتاب به ویژه در فصل سوم به عنوان شاهد چندین بار نمونه‌ها و مثال‌هایی از گلستان سعدی آورده است که همه موارد را در سرتاسر متن مشخص کرده‌ام. اما از دیگر کتاب‌هایی که در این هشت سال در مکتب‌خانه می‌خوانده صراحتاً شرحی نوشته است. بنابراین برای روشن شدن فضای تحصیلی مکتب‌های سنتی در بوشهر و دیگر بنادر در اواخر دوره قاجار از نوشته‌های یکی از سخنوران جنوبی کمک می‌گیریم. محمدعلی خان کبابی سدیدالسلطنه محقق بوشهری و بندرعباسی که از وضعیت مکتب‌های سنتی در بنادر خلیج فارس اطلاع کامل داشته، گزارشی جامع در این مورد نوشته که برای ترسیم وضعیت مکتب در بندرریگ و درس‌های آن در اینجا آورده می‌شود. نسخه خطی «مغاص للثالی و منار اللیالی»^۱ اثر سدیدالسلطنه، دانشگاه تهران، ص ۶ ذیل تعلیم اطفال آورده است: «اطفال چون هشت ساله شوند، به مکتب گذارند خدمات معلمی را اطفال انجام دهند. نصف اوقاتشان صرف خدمات استاد شود. بدو قرآن مجید به یاد دهند بدون معنی. پس قصص گربه و موش و خاله سوسکه و امثال آن آموزند. پس دیوان حافظ خوانند، پس از آن هرگاه سلاح^۲ ورزند شاهنامه فردوسی، هرگاه اهل منبر باشند کتاب مختار و جوهری می‌خوانند و آن دو کتاب را باید از بر کنند. اگر یکی^۳ مایل نظم است کلیات سعدی و اگر مورخ، مجلات ناسخ التواریخ بیاد دهند. حال در بدایت رباعیات فایز همی‌بیاموزند، بیشتر آموزندگان مایل به شاهنامه باشند. هرگاه [مردم] در اطفال خود ذوق تعلیم نیابند به آموزگار ندهند، صنایع و مکاسب خود به فرزندان خود آموزند چون جولایی و برزگری و سنگ تراشی و باغبانی و فخراری، تفنگ اندازی و ماهیگیری و سرقت و آدم کشی، هر کدام همان هنر^۴ پدر خود آموزند»^۵.

۱ - احمد اقتداری هم این مطلب را در کتاب «سرزمین‌های شمالی پیرامون خلیج فارس و دریای عمان در صدسال پیش»، تصحیح و آورده است.

۲ - متن اصلی: صلاح

۳ - اقتداری: اگر پدر

۴ - اقتداری: خواهند از

۵ - مغاص للثالی و منار اللیالی، سدیدالسلطنه، نسخه شماره ۹۴۲۱ دانشگاه تهران: ۷۶؛ اقتداری، سرزمین‌های شمالی پیرامون خلیج فارس و دریای عمان در صدسال پیش، ۱۳۷۱: ۲۶.

مؤلف وضعیت آموزش سنتی در بندرریگ را دارای راه‌های پر پیچ و خمی دانسته که عبور از آن کمال زحمت و خطرات عظیمه داشت و هم از بی علمی معلم انتقاد می‌کند (شش فصل: ۴). زمان تحصیل را از صبح تا غروب و مدت آن را ماه‌ها و سال‌ها و محل کلاس را فضای باز، سایه درختان و سایه دیوارها و زیر انداز شاگردان را حصیرهایی از برگ درخت خرما و گونی‌های خالی و کیسه‌های خالی تنباکو می‌داند. از داد و فریادهای بی مفهوم و شیطنت کودکان شاگردان انتقاد می‌کند (۴ و ۵).

مشغله‌های معلم مکتب به غیر از تدریس

۱- ترتیبات خانه خویش بی توجه به شاگردان.

۲- بند باد دادن: اصطلاحی محلی برای بافتن بند (طناب) با تکه‌های پارچه مستعمل

یا ...

۳- چاه کندن.

۴- مَهر نماز ساختن: «مقداری خاک جمع می‌کرد و با آب تر کرده، برای ثواب مهر نماز می‌ساخت و در مساجد می‌گذاشت» (۵).

همچنین دانش آموزان بازیگوش هم لوح نادرست کرده بر سر همدیگر می‌شکستند و اوراق کتاب را می‌زدیدند یعنی بدون این که معلم متوجه شود از صفحه ۱۰ به صفحه ۱۴ می‌رفته‌اند. البته مؤلف خرده می‌گیرد که همین کارها باعث می‌شد تا کتاب را نتوانند درست بخوانند.

مکتب‌های سنتی سابق و مدارس صحیحه

او این مشکلات را مربوط به همه مکتب‌های سنتی سابق در سرتاسر ایران و دهات می‌داند و نحوه‌ی تدریس مدرسه‌های نوین را تمجید می‌کند: «آن‌هایی که در ایران عموماً و در دهات خصوصاً به مکتب رفته‌اند به خوبی ملتفت وضع هستند و می‌دانند که چه می‌گویم و خود سابقاً گرفتار این درد بوده‌اند ولی آنانی که در سواد اعظم (کلانشهرها و پایتخت‌ها) و در ممالک متمدنه مشغول تعلیم بوده‌اند از این اوضاع بی‌خبرند» (۶).